



۲۰۱۳/۰۲/۲۷

جليل غني

## حفاظت زبانهای رسمی افغانستان

بباید از تو سخن گفتن دری آموخت

هزار بلبل داستان سرای عاشق را

(سعدی)

زبان یکی از ارکان عمده و حتمی هویت ملی یک ملت است و بحیث جزء عمده فرهنگ هر ملتی از طرف جامعه شناسان و فرهنگیان شناخته شده است. در تعریف فرهنگ می خوانیم که: "مجموع روش ها، عنعنات و اعتقاداتی که یک گروه را از گروه دیگر متمایز می سازد. فرهنگ از طریق زبان، اشیای مادی، مناسک مذهبی، نهاد ها و آرت (هنر) از نسلی به نسلی انتقال می یابد"

از بیش از سی سال به اینطرف جنگ با ابعاد گسترده و وسیع در افغانستان همه شیرازه های زندگی مردم ستم دیده و بردبار افغانستان را درهم ریخت و اثرات نا مطلوب آن نه تنها در بخشهای اقتصادی و مالی و سیاسی و اجتماعی، بلکه در فرهنگ غنی این سرزمین با تاریخ کهن چندین هزار ساله، نمودار است که زمانی مهد تمدن و مرکز فرهنگی بود که از همین سرزمین به اقصی نقاط جهان پخش گردید. زبان دری و پشتو که از همین خطه نشأت نمود تا شرق میانه و جنوب آسیا حاکم شد و برای یکصد سال زبان رسمی دربار های مغل های هند گردید. زبان پشتو هم، که این سرزمین پرورشگاه آنست، یکی از زبان های پر بار منطقه شده است. ولی جنگ خانمانسوز که با کودتای کمونیست ها و سپس تهاجم قشون سرخ شوروی سابق آغاز و تا امروز به انواع و اقسام دیگر و به حیث یک جنگ نیابتی به بهانه های گوناگون جریان دارد، اثرات نا مطلوبش را بیشتر بر فرهنگ و زبان مردم وارد کرده است که توجه جدی را برای احیای زبان ها و لهجه های اصیل مردم افغانستان ایجاب میکند. در چندین مورد از این قلم در همین مورد بخصوص یاد آوری گردید. اعمار و باز سازی جاده ها و یا تعمیرات ممکن است در ده سال و یا کمتر و یا بیشتر امکان پذیر باشد ولی احیا و بازسازی فرهنگی و مداوم ساختن آن ممکن است چندین دهه و یک و یا دو نسل را در برگیرد تا بتوان صدماتی را که این جنگ و مهاجرت ها و بی سرنوشتی ها بر این ملت وارد کرده است، ترمیم نمود.

شکی نیست که سلسله مهاجرت ها و بزرگ شدن نسلی دریک فرهنگ و کشور دیگر تاثیراتش را داشته است و با وصف صفاتی که چنین مهاجرت ها داشته است، و می توان از بلند رفتن سطح تحصیل، آموختن زبان های دیگر، آشنائی با فرهنگ ها و کشور های دیگر، ارتقای سطح فکری نام برد، تاثیرات دیگری هم داشته است که چندان مطلوب نبوده از قبیل تحت تاثیر رفتن فرهنگ و زبان کشور میزبان، پیروی از عنعنات و فرهنگ آن ملت ها، تقلید زبان و لهجه کشور میزبان، و برخی دیگر از عاداتی که خواهی نخواهی نسلی که در تحت چنان شرایطی بزرگ شده، تحت تاثیر قرار داشته است. اما این بدان معنی نیست که آنانیکه با سنین بزرگتر مهاجر شدند و یا هم با تقلید از چنان لهجه ها و اصطلاحات برای به نمایش گذاشتن شان، کلمات و اصطلاحات و لهجه های اصیل خود شانرا عمداً تغییر بدهند و زبان خود شان را چه دری و چه پشتو دنباله رو زبانی سازند که خود آن زبان از زبان اصلی شان یا ریشه گرفته و یا هم جدا شده است.

در هر زبان واژه ها و ترکیبات با گذشت زمان مثل زندگی انسان ها تولد می شود، رشد می کند، به کمال می رسد و با گذشت زمان آهسته آهسته کلاسیک می شود و از استعمال مکالمات روزمره باز می افتد. اگر ما امروز کلمات و ترکیبات نثر بیهقی، خواجه انصار و یا هم سنائی و جامی و امام غزالی را در مکالمات روزمره بکار بریم شاید کمتر کسی باشد که گفته ما را درک کند. بناءً این بدان معنی نیست که ما باید به آنچه در گذشته های دور معمول بوده، دو دسته به آن بچسبیم و نگذاریم کلمات و اصطلاحات نوی در ادبیات ما شامل شود که در آن صورت جز انحطاط زبانی نتیجه دیگری نخواهیم گرفت و هیچ فرقی با عقب گرایی سیاسی و عقیدتی ندارد. بلکه زبان هم مثل همه شئون حیاتی ترقی می کند. زبان هر زمان گویای مدنیت همان زمان است مخصوصاً در عصر حاضر و با پیشرفت تکنالوژی که زبان ما باید بتواند سخنگوی چنان انکشافاتی باشد که مشخصه مدنیت و تکنالوژی امروزی است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

خبر خوشی که برای حفظ و نگهداشت زبان ها و لهجه های افغانستان بود، تصمیم مجلس وزرای افغانستان است که «استفاده از زبان ها و لهجه های بیگانه در رادیو ها و تلویزیون ها ممنوع شد» و به مراجع مربوطه هدایت داده شد که «استفاده از لهجه های غیر معیاری، کلمات نا مأنوس و استفاده از زبان ها و لهجه های بیگانه جداً جلوگیری نمایند» این تصمیم بالاخره بعد از سر و صدا ها و مقالات متعدد اتخاذ گردید که افتخار دارم این هیچمدان هم یکی از آنهاست و در چندین مقاله در مورد تهاجم فرهنگی و از جمله بر زبان های ملی افغانستان توسط همسایگان در همین پورتال تذکر داده شده بود.

سخن بر این نیست که چرا برخی کلمات و یا اصطلاحات وارد زبان دری و یا پشتو شده است؟ اگر معادل این کلمات و اصطلاحات را درین زبان ها نداشته باشیم باید از آنها، تا جائیکه بر شئون ملی و افغانی ما نا سازگار نباشد، استفاده کنیم نه اینکه بطور مثال ما در حالیکه «تمرینات نظامی» داشته باشیم و برای مردم هم مفهوم داشته باشد چرا بجای آن «رزمایش» را که ایرانی ها بکار می برند، استعمال کنیم، و یا هم اینکه اسمای اداره های افغانستان را به فارسی ایرانی ترجمه نمائیم از قبیل «دادستان کل» بجای «لوی خرنوال» که یک تشکیک اداری افغانی است و تشکیلی بنام «دادستانی کل» در افغانستان وجود ندارد و یا «دادگاه عالی» بجای «ستره محکمه» و دادگاه ویژه «محکمه خاص» و امثال اینها که متأسفانه این روز ها معمول شده است.

موضوع دیگر جمع بندی های نادرست در زبان است که حتی گرامر و دستور زبان را نیز تغییر داده اند. بقول فرهاد جاوید یکی از ادیبان «زبان های مردمان جهان از ساده ترین آنها گرفته تا پیچیده ترین آنها، پیش از کشف و تألیف دستور آنها، پیدا شده است و شبیه نوعی موجود زنده به تکامل حیاتی یا عملی خود رسیده است بنا بران زبان دری با وجود تحول های که پیدا کرده است، قاعده های اصلی خود را داشته است و این قاعده ها را مردم عادی، بدون اینکه از چگونگی آنها آگاه باشند، پیروی می کرده اند. مثلاً می گفتند کوزه ها از دست آنها افتاد و شکست» یعنی که نمی گفتند «شکستند» از زمانیکه من هنوز شاگرد مکتب ابتدائیه بودم و بعد در پوهنتون افتخار شاگردی استاد بزرگوار داکتر جاوید، داکتر اسدالله حبیب، استاد قیوم قویم و استاد رحیم الهام را داشتم هیچگاهی نشنیده بودم که برای بیجان فعل جمع بکار برده شود مثلاً طوریکه حالا مخصوصاً در یکی از تلویزیون های افغانستان این روش عمومیت دارد، نمی توان گفت که «جاده ها کاهگل شدند، گفتگو های دایر میشوند، کانتینرها حرکت کردند، رویداد ها مورد بررسی قرار می گیرند، این گفته ها تأیید نشده اند، راه حل ها مطرح شده اند، با ریزش باران جاده ها مسدود میشوند» و غیره که باور کنید آنقدر این عبارات تکرار شده است که گاهی به این فکر می افتم که شاید ما نادرست بوده باشیم و یا درست نفهمیده بودیم ولی زمانیکه بدستور زبان مراجعه کردم دیدم که نه، خدا روح استاد جاوید و استاد الهام را شاد داشته باشد و به عمر استاد حبیب، که ما را گرامر تطبیقی درس می داد، بیفزاید که از تبحر و تسلط شان بر زبان و دستورات آن بهره مند گردیدیم، و تحت تأثیر این نوع جمع بندی قرار نگر فیتیم. ولی همه افتخار شاگردی این استادان را نداشته اند و از همین جاست که خطر بیراهه رفتن بیشتر می شود.

جای تأسف اینجاست که شنونده و یا بیننده فکر می کند که این آقا و یا خانمی که در پشت کمره تلویزیون و یا میکروفون رادیو نشسته، متخصص زبان هم هست و او هم نا خود آگاه از او پیروی می کند و به این ترتیب زبان چنان ضربه می خورد که بار دیگر باید اسناد خلیلی و استاد جاوید را زنده نمود تا بداد این زبان بیچاره برسند. آخر چرا برای اینکه خود را متفاوت نشان داد باید چنین ستمی بر زبان و فرهنگ خود وارد نمود. شاید هم ملحوظات سیاسی و یا ملحوظات دیگری مد نظر باشد که بی خبرانی چون این نکارنده از آن اطلاعی ندارد.

اگر وزارت اطلاعات و فرهنگ به موقع آن عمل می کرد و از همان آغاز دوره جدید و نظام نوین، اصول و پالیسی نشراتی مشخص و رهنمودی برای تقویة زبان های افغانستان می داشت، پس از یازده سال و نشر ده ها و صد ها مقاله و مصاحبه و تحلیل و تفسیر و هشدار هایی برای نا بودی اصالت زبان های رسمی افغانستان، وزیران کابینه آقای کرزی مجبور نمی شدند چنین دستوری صادر نمایند.

اکنون از ادیبان، زبان شناسان، شاعران و نویسندگان و دانشمندان ادب و فرهنگ افغانستان توقع می رود تا در حفظ و نگهداشت و تصحیح اشتباهات کمک نمایند و با نشر مقاله ها و ابراز نظر ها بر این موضوع روشنی اندازند تا باشد که نسل جوان افغانستان، چه دری زبانست و چه پشتو زبان، زبانش را به نحو درست آن بیاموزد. شکی نیست که رشته زبان و ادبیات پوهنتون کابل و وزارت معارف در پهلوی وزارت اطلاعات و فرهنگ نقش کلیدی را درین زمینه دارند ولی دانشمندان بیرون از افغانستان و از جمله استاد نگارگر و استاد هاشمیان و سایر استادان هر دو زبان با رهنمائی های عالمانه شان می توانند در غنمندی بیشتر هر دو زبان خدمت شایانی انجام دهند

چو عندلیب فصاحت فرو شد ای حافظ  
تو قدر او به سختن گفتن دری بشکن  
( حافظ )

یکی از دست آورد های بزرگ یازده سال گذشته آزادی مطبوعات و بیان و نشرات در افغانستان است و در مجموع مفاهمه جمعی شامل رادیو، تلویزیون، تیلیفون و مخابرات بصورت کل پیشرفت شایانی نموده است. بیش از شصت کانال تلویزیونی و یکصد و شصت دستگاه رادیو امروز در افغانستان نشرات دارد که یکی از عمده ترین پیشرفت ها و دست آورد ها در افغانستان به شمار می رود. این همه دستگاه ها از یکطرف به رهنمائی دانشمندان نیاز دارد و از جانب دیگر نقش عمده و کلیدی در نزدیک ساختن فاصله ها بین جامعه کثیرالنژاد افغانستان می داشته باشد.

توصل به کلمات و لهجه های بیگانه در زبان های دری و پشتو هردو، رقابت نا سالم و مقابله زبانی را باعث خواهد شد که در نتیجه نقاضت های قومی، نژادی و زبانی را دامن خواهد زد. درست است که در حال حاضر در افغانستان زبان معیاری چه پشتو و چه دری وجود ندارد، ولی در گذشته معیارهایی برای زبان نشراتی وجود داشت مثلاً لهجه کابل به حیث لهجه معیاری برای نشرات رادیو و بعداً تلویزیون بکار برده می شد و لهجه ننگرهار برای زبان پشتو. اینکه در تصمیم مجلس وزرا گفته شده که محلات می توانند با لهجه های محلی شان نشرات کنند، تصمیم خوبیست ولی رادیو و تلویزیون ملی و تلویزیون های سراسری اگر با لهجه و زبان معیاری نشرات نمایند، در انکشاف و ارتقای هر دو زبان و اصلاح نواقص و اشتباهات، مؤثر خواهد بود.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ